

ظرفیت های مغفول و مناقشه قره باغ/صمد حسن زاده

بیش از دو دهه از مناقشه قره باغ می گذرد. پیامد این مناقشه اشغال سرزمین عزیز قره باغ بود.

آران نیوز: بیش از دو دهه از مناقشه قره باغ می گذرد. پیامد این مناقشه اشغال سرزمین عزیز قره باغ بود. این شکست سنگین و اشغال بخش هایی از یک کشور مسلمان به دست ارامنه متجاوز به دلایل زیادی بر یک کشور اسلامی تازه استقلال یافته تحمیل شد و یک تحقیر ملی کامل برای دولت و ملت آذربایجان به حساب می آید. بی لیاقتی و بی کفایتی مسئولین وقت دولت آذربایجان، سیاست خارجی تهاجمی و غیر دوستانه در رابطه با کشورهای همسایه از جمله جمهوری اسلامی ایران، عدم استفاده از ظرفیت جهان اسلام، عدم وفاق ملی و وجود جنگ قدرت تمام عیار در میان جناح های سیاسی کشور که به دنبال کسب قدرت بودند، از جمله دلایلی است که از سوی کارشناسان به آن ها اشاره می شود.

اگرچه انتقال قدرت سیاسی از یک رئیس جمهور ضعیف (ابولفضل الجی بیک) با سیاست های غلط داخلی و خارجی و برخوردار از دیدگاه های ملی گرایانه افراطی به یک شخصیت شناخته شده و سیاستمدار کارکننده به نام حیدر علی اف و اصلاح برخی اشتباهات دولت های قبل، امیدهای زیادی را برای جبران شکست های قره باغ در جامعه آذربایجان به وجود آورد، با این حال در ادامه و با گذشت زمان و تطویل مناقشه قره باغ مشخص شد در این کشور برنامه و راهبرد قوی برای آزادسازی مناطق اشغالی از دست دشمن وجود نداشته و ندارد.

بدیهی است تمام کشورها برای رسیدن به اهداف ملی و دفاع از حاکمیت سرزمینی خود به برنامه ها و راهبرد های همه جانبه و قوی نیاز دارند. استفاده کامل از تمام منابع، امکانات کشور و برنامه ریزی و بسیج آن ها از لوازم و ضرورت های اساسی موفقیت راهبردهای یک کشور به حساب می آید. سوالی که در این زمینه مطرح می شود این است که دولت آذربایجان از توان ملی و ظرفیت های داخلی خود به چه میزان استفاده کرده است و در صورتی که استفاده مناسب و مطلوبی را نکرده است امکان اصلاح روند موجود وجود دارد؟

ارزیابی عملکردها و شواهد امر نشان می دهد دولت آذربایجان در مقام عمل موفق به بسیج تمام منابع و ظرفیت های داخلی خود برای رسیدن به اهداف ملی نشده است. خرید تسلیحات و تجهیزات نظامی پیشرفته و افزایش تعداد نیروهای نظامی و صرف اتکا به بخشی از نیروها و توان ملی از جمله سیاست ها و راهبردهای داخلی بوده است که دولت آذربایجان پس از اعلام آتش بس در مناقشه قره باغ از سال 1994 دنبال کرده است. واقعیت آن است که یک کشور در حال جنگ مانند آذربایجان برای غلبه بر مشکل مزمن و بزرگی مانند اشغال بیش از 20 درصد سرزمین خود به چیزی بیش از این ها نیاز دارد. اصولا دولت ها باید بتوانند وفاداری تمام ملت خود را جلب کنند و از توان آن ها برای حل مشکلات اساسی خود بهره های لازم را ببرند. این مسئله زمانی که یک کشور با یک بحران و معضل ملی دست و پنجه نرم می کند بیشتر موضوعیت می یابد. بی تردید یکی از اشتباهات محوری دولت آذربایجان در سال های گذشته عدم استفاده از ظرفیت دینداران و اسلام گراها در این عرصه مهم و حساس بوده است. اسلام گرایانی که وطن پرستان واقعی هستند و به دلیل برخورداری از آموزه های دینی، اعتقاد محکم و راسخی برای آزادسازی سرزمینشان از دست ارامنه اشغالگر دارند. به طور یقین اگر دولت آذربایجان می توانست از این ظرفیت و نیروی کارساز و قدرتمند استفاده کند، به راحتی توان لازم و کافی را برای غلبه بر مشکلات ملی از جمله آزادسازی قره باغ به دست می آورد. آن چه مشخص است فشارها و سرکوب های شدید اسلام گرایان در سنوات گذشته، دولت آذربایجان را از این منبع قدرت مهم و موثر محروم کرده است. بی تردید بازنگری و اصلاح رویه ها و سیاست های گذشته در خصوص دینداران می تواند مضاعفی را در اختیار دولت آذربایجان قرار دهد. درگیری های اخیر در قره باغ فرصت خوبی است تا دولت آذربایجان با اسلام گرایان به عنوان بخش مهمی از مردم خود از در آشتی درآید و از این ظرفیت مغفول به نحو موثری در راستای رسیدن به اهداف ملی بهره برداری نماید.